

ساواک، وصله ناجور جنبش «زن، زندگی، آزادی» / نظر تطهیرکنندگان «پرویز ثابتی» درباره اسنادی مثل شکنجه‌گاه زیبایی چیست؟+فیلم



آفتابی شدن عالیجناب شکنجه‌گر! بعد از ۴۴ سال زندگی مخفیانه، بهانه‌ای بود برای اینکه برخی مدعیان زن، زندگی، آزادی هم تعارف را کنار بگذارند و بعد از همصدایی با تجزیه طلبان، گروهک مجاهدین خلق، سلطنت طلبان و همجنسگرایان، این بار برای ساواکی‌ها آغوش باز کنند. اینطور بود که بعد از هشتک #من_بی_ناموسم و #من_هم_تجزیه_طلبم، به هشتک #من_ساواکی_ام رسیدند!

گروه جامعه خبرگزاری فارس - نه!... این پرده حتی برای بدبین‌ترین افراد نسبت به جنبش زن، زندگی، آزادی هم، بعید و غیرمنتظره بود. تصور می‌شد عادی‌سازی تجزیه ایران با به رسمیت شناختن گروه‌های تجزیه طلب، اتحاد با گروهک رجوی که دستش به خون ۱۷ هزار کودک و زن و مرد بیگناه آلوده است و دست دادن با سلطنت طلبان، نهایتِ روسیاهی جنبشی باشد که داعیه آزادی ایران و ایرانی دارد. اما رونمایی از شکنجه‌گر اعظم در تجمع ضدانقلاب در لس‌آنجلس در روزهای گذشته، نشان داد برای تباهی این حرکت و حامیانش، نقطه پایانی متصور نیست. حضور «پرویز ثابتی» (نفر دوم ساواک در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷) در جمع سلطنت طلبان، اتفاقی بود که حتی در میان اردوگاه براندازان هم، انشقاق و دودستگی ایجاد کرد و صدای برخی مخالفان جمهوری اسلامی را هم درآورد که: آیا قرار بود با زن، زندگی، آزادی به احیای ساواک برسیم؟... عالیجناب شکنجه‌گر! در حالی در قامت یکی از طرفداران جنبش به اصطلاح آزادی‌خواهی ظاهر شده که کارنامه‌ای سیاه از شکنجه و جنایت در حق انقلابیون ایران در دهه ۴۰ و ۵۰ دارد؛ انقلابیونی که از قضا تعداد زیادی زن آزادی‌خواه هم در میان آنها بودند.

راه‌اندازی طوفان توییتری برای تطهیر ساواک، جنایتکارترین سازمان در ایران که حاصل ۲۲ سال فعالیتش، شکنجه و قتل هزاران انسان بیگناه بود، قدم بعدی مدعیان شعار دهان‌پرکن زن، زندگی، آزادی بود؛ حرکتی که پازل بی‌آبرویی این جماعت را تکمیل‌تر کرد. کاربران آگاه و منصف اما در این میان، بیکار ننشستند و با توییت‌های روشنگرانه‌شان درباره جنایت‌های ساواک، آرزومندان احیای «شاگرد موساد» در ایران را رسوا کردند. حالا باید از هواداران پرویز ثابتی و تطهیرکنندگان ساواک پرسید چه نظری درباره یادگارهای به جا مانده از آن سازمان مخوف دارند؟ از صدها انسان شکنجه‌شده به‌عنوان سند زنده آن جنایت‌ها تا موزه عبرت و اسناد و خاطرات تلخ شکنجه‌گاه زیبایی و سلول‌های سیاه... این روزها که مخاطبان سامانه فارس من به نمایندگی از ایرانیان وطن دوست، با ثبت پویشی خواستار محاکمه پرویز ثابتی شکنجه‌گر شده‌اند، با ما در مرور اجمالی داستان ساواک که وصله ناجور جنبش به ظاهر آزادی‌خواهی روزگار ما شده، همراه باشید.

...
اسماعیلی ✨
@GolSabaai15
آغا پرویز ثابتی هستند از جلادهای ساواک که در راستای حفظ مام وطن زندانیان
رو شکنجه می کرده (:
#ساواک
#حافظه_تاریخی

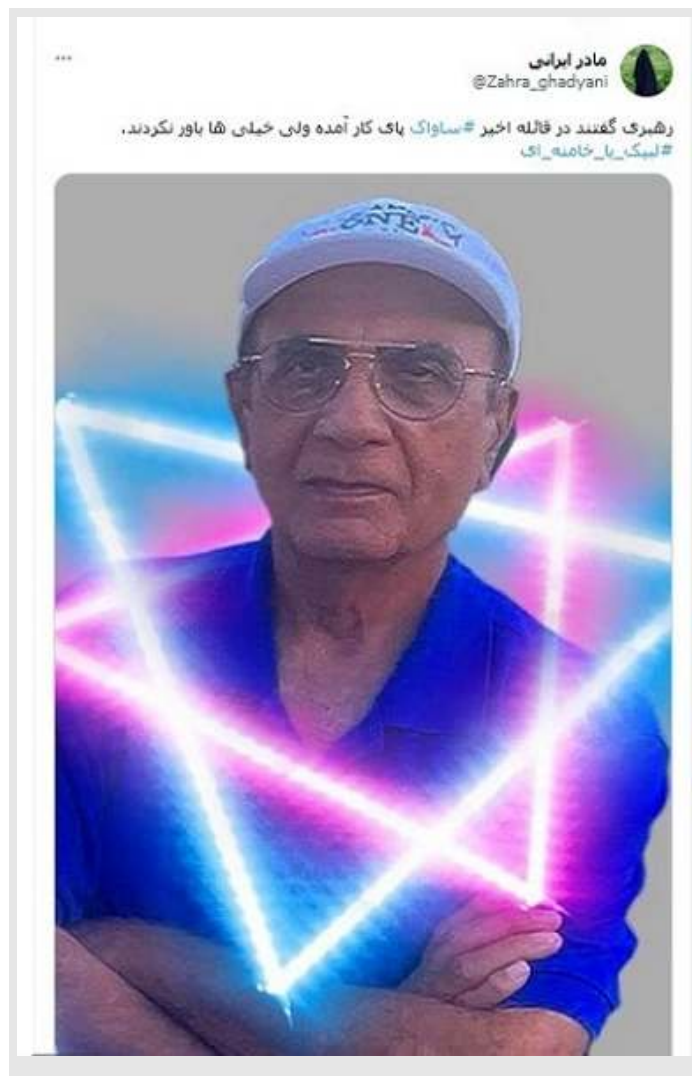


«پرویز ثابتی» به همراه همسر و دخترش در حاشیه تجمع ضدانقلاب در لس آنجلس در ۲۲ بهمن

وقتی دم خروس ساواکی‌ها در تجمعات خیابانی بیرون زد

ماجرا نه از دوره‌ی ۲۲ بهمن ضدانقلاب در لس آنجلس و توییت پر حرف و حدیث پردیس ثابتی، بلکه از خیلی قبل‌تر شروع شده بود؛ از همان روزهای ابتدایی شکل‌گیری تجمعات هنجارشکنانه خیابانی که برخی ساده‌انگاران، سعی می‌کردند ماجرای اغتشاشات را به بحث حجاب اجباری تقلیل دهند. آن روزها یک نفر، ردپای بازمانده‌های روسیاه‌ترین تشکیلات تاریخ ایران را در پشت صحنه این اغتشاشات دیده بود.

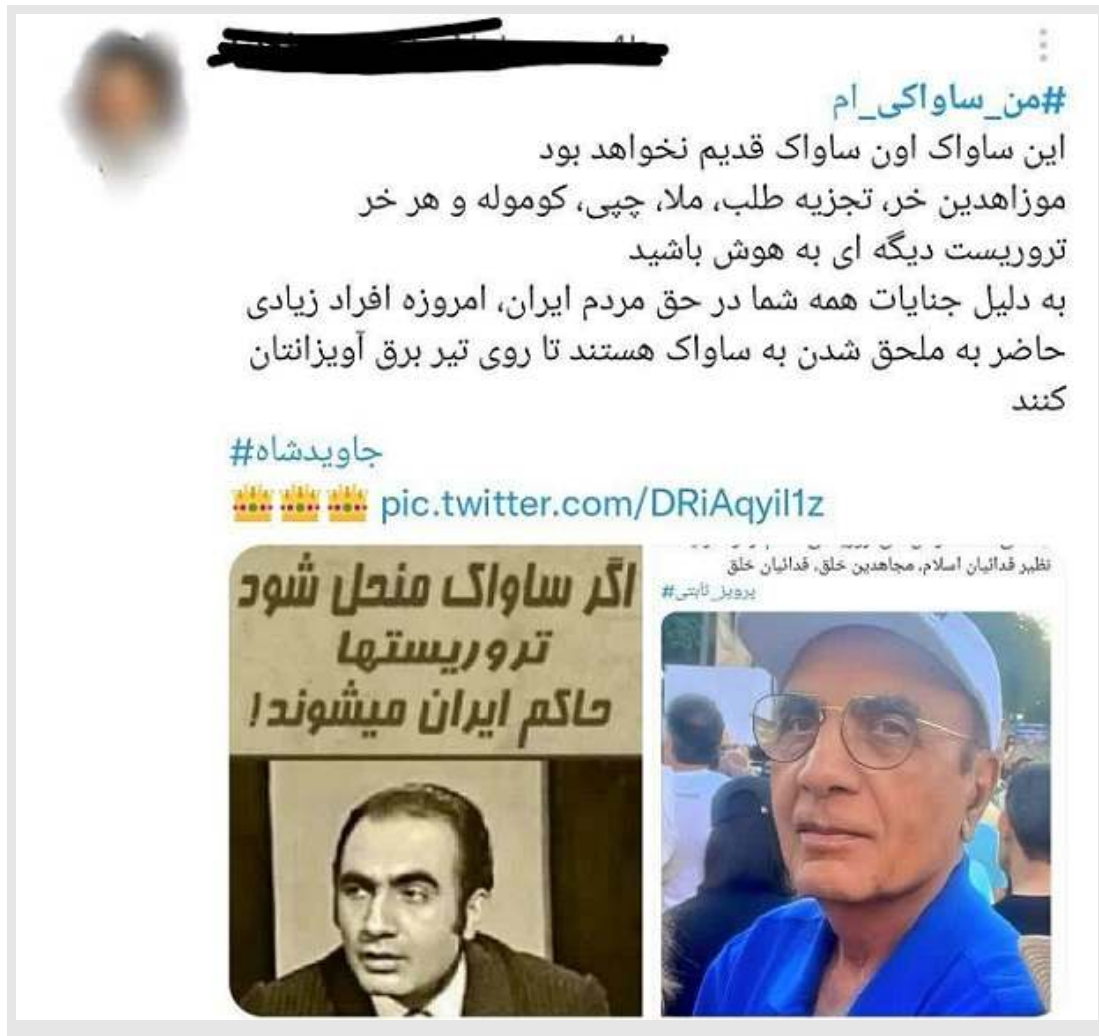
درست ۱۱ مهر و چند روز بعد از شروع اغتشاشات بود که رهبر معظم انقلاب در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح فرمودند: «این کسانی که در خیابان فساد و تخریب می‌کنند و کردند، این‌ها همه یک حکم ندارند... بعضی از این‌ها جوانان و نوجوانانی هستند که آنها را احساسات و هیجان به خیابان می‌کشاند. مشکل اینها را با یک تنبیهی می‌شود حل کرد؛ یعنی هدایتشان کرد و تفهیم کرد که اشتباه می‌کنند. لکن بعضی از اینها این‌جور نیستند؛ بعضی از اینها بازمانده‌های عناصر ضربت‌خوردهٔ چهل سال گذشته هستند: منافقین، تجزیه‌طلب‌ها، بقایای رژیم منحوس پهلوی، خانواده‌های ساواکی‌های مطرود و منفور...»



آن روز وقتی دیده‌بان موسپید و سرد و گرم چشیده انقلاب از حضور ساواکی‌ها در سازماندهی و برگزاری اغتشاشات گفت، خیلی‌ها ابرو در هم کشیدند و با ناباوری، از کنار این موضوع گذشتند. برای اثبات درستی این رصد و پیش‌بینی دقیق اما زمان زیادی لازم نبود. ۴ ماه بعد، ظاهر شدن یکی از منفورترین چهره‌های ساواک در تجمعات ضدانقلاب، ماهیت جنبشی که ادعای زن، زندگی، آزادی داشت را بیش از پیش روشن کرد.



طنز تلخ روزگار همین است که پرویز ثابتی، رییس اداره کل سوم ساواک و سردسته شکنجه‌گران، ۴۴ سال بعد از روزهای سیاه زندان‌های کمیته مشترک خرابکاری، حالا مدعی آزادی زنان شده...



جماعت ضدانقلاب، حالا با افتخار اعلام می کنند: من ساواکی ام

حالا #من ساواکی ام!...

آفتابی شدن عالیجناب شکنجه‌گر! بعد از ۴۴ سال زندگی مخفیانه، بهانه‌ای بود برای اینکه برخی مدعیان زن، زندگی، آزادی هم تعارف را کنار بگذارند و بعد از همصدایی با تجزیه طلبان، گروهک مجاهدین خلق، سلطنت طلبان و همجنس‌گرایان، این بار برای ساواکی‌ها آغوش باز کنند. اینطور بود که بعد از هشتک #من_بی_ناموسم و #من_هم_تجزیه_طلبم، به هشتک #من_ساواکی_ام رسیدند!



این فرآیند سریع حرکت به سمت تباهی اما چیزی نبود که پیاده نظام مجازی جنبش به اصطلاح آزادیخواهی زنان از پذیرش و بیانش ابایی داشته باشند. شاهدش، قول و قرار تویتری‌شان برای طوفان به پا کردن به افتخار تشکیلات منحوسی بود که افتخارش شکنجه و زجرکش کردن هزاران زن و مرد آزادیخواه است.



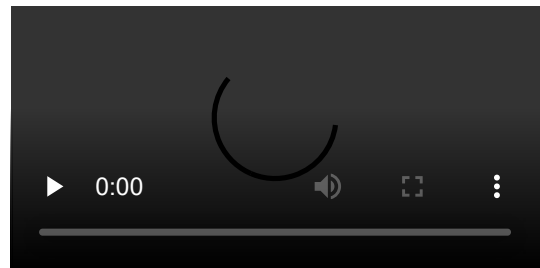
به امید احیای سازمان غرورآفرین ساواک...!

حالا همان‌هایی که حدود ۱۰۰ روز با ادعای احیای حقوق زنان، خیابان‌ها و شهرهای ایران را به آشوب کشیدند و با وعده دروغین آزادی به نوجوانان و جوانان، خسارت‌های جانی و مالی جبران‌ناپذیری بر جا گذاشتند، امروز بدون پرده‌پوشی و با صدای بلند، از آرزوی‌شان برای احیای ساواک می‌گویند؛ همان تشکیلات مخوفی که در طول ۲۲ سال فعالیتش، صدها زن بیگناه را به شکلی وحشیانه مورد شکنجه

و آزار و اذیت قرار داد. سازمان بدنامی که عملکرد غیرانسانی‌اش حتی صدای خبرنگاران خارجی را هم درآورده بود و چرایی افراط خشونت در آن، پای ثابت سئوال‌اتشان از محمدرضا پهلوی بود.



بازدید محمدرضا پهلوی از زندان کمیته مشترک ضدخرابکاری



***عصبانیت محمدرضا پهلوی از سئوال خبرنگار خارجی درباره شکنجه در زندان های ایران**

اعلیحضرت! یک بار در مصاحبه با یک خبرنگاری خارجی، از مواجهه با سئوالی درباره اخبار شکنجه‌های مخالفان، با عصبانیتی که نمی‌توانست پنهانش کند، در جواب گفت: «اصلاً از این سئوال خوشم نمی‌آید. از بس احمقانه است، مجبور نیستم به آن جواب بدهم. ما مجبور نیستیم مردم را شکنجه کنیم. شکنجه، شیوه عمل سازمان‌های عقب‌افتاده است. ما حالا به اندازه شما پیشرفته هستیم؛ پیشرفته از نظر شیوه‌های بازجویی. من مطالبی که در روزنامه‌های انگلیسی درباره شیوه‌های شکنجه در ایران نوشته شده را تکذیب می‌کنم. البته مجبور نیستم تکذیب کنم چون اصلاً به شما مربوط نیست.»



همان‌هایی که در سه ماه پراشوبی که برای ایران ساختند، هر روز با یک دروغ بی‌اساس درباره شکنجه و آزار و اذیت بازداشت‌شدگان اغتشاشات - از حسین رونقی و حسن فیروزی گرفته تا آرمیتا عباسی - در فضای مجازی، داستان‌سرایی و در فضای حقیقی جامعه ایران، التهاب‌آفرینی می‌کردند و هر بار با انتشار عکس و فیلم‌های حاکی از سلامت و شادابی سوژه‌هایشان، رسوا می‌شدند، حالا بی هیچ ابایی از رویای احیای سازمان غرورآفرین! ساواک می‌گویند؛ همان سازمان درخشانی که یک نویسنده آمریکایی در سال‌های پایانی رژیم پهلوی، شیوه‌های شکنجه مرسوم در آن را اینطور توصیف کرده بود: «روش‌های روم باستان، اسپانیا در قرون وسطا و همچنین اردوگاه آشویتس (اردوگاه کار اجباری آلمان نازی در جنگ جهانی دوم) را به حد اعلی رسانده است.»



Ardavan M. Khoshnood (خوشن م. اردوان) · 2h · ...
 بعد از ۴۴ سال کسی نتوانسته کوچکترین مدرکی از شکنجه به ما نشان دهد. مبارزه قهرمانان #ساواک با همانهایی بود که سال ۵۷ به قدرت آمدند.



BBC NEWS فارسی @bbcpersian · 2h

پرویز ثابتی، مدیر امنیت داخلی ساواک؛ عامل سرکوب یا مدافع امنیت؟
 حضور بحث‌انگیز مقام ارشد سازمان اطلاعات و امنیت کشور در دوران حکومت محمدرضا شاه پهلوی در تظاهرات مخالفان جمهوری اسلامی در آمریکا...



حالا ضدانقلاب، اساسا وجود شکنجه در تشکیلات ساواک را نفی می کند!

وقتی ساواکی‌ها دست ثابتی را رو می‌کنند

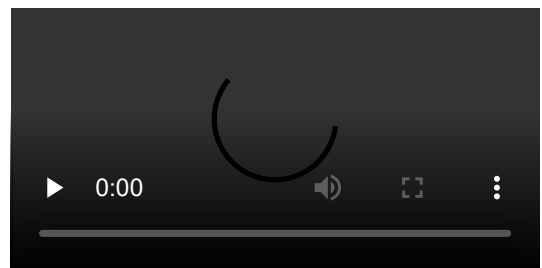
اوج وقاحت جماعت ضدانقلاب و برانداز که با نقاب آزادی‌خواهی سعی در فریب افکار عمومی دارند، آنجا بروز پیدا کرد که برای تطهیر شخصیت روسیاه و ددمنشی مثل پرویز ثابتی، از اساس منکر وجود هرگونه شکنجه در تشکیلات سیاه ساواک شدند و نوشتند: «بعد از ۴۴ سال، کسی نتوانسته کوچکترین مدرکی از شکنجه به ما نشان دهد!» چهره محبوب این روزهای این جماعت یعنی پرویز ثابتی هم در سال ۱۳۹۰ با چاپ کتاب خاطراتش با عنوان «در دامگه حادثه» و بعد از آن در مصاحبه با صدای آمریکا، با دروغ‌های شایخاری از همین دست درباره ساواک و خودش، صدای خیلی‌ها را درآورد؛ از زندانیانی که به دستور او شکنجه شده بودند تا ساواکی‌هایی که مجری دستوراتش بودند.

او در بخشی از مصاحبه‌اش با صدای آمریکا درباره کتابش، در پاسخ این سؤال که: پاسختان به آنهایی که ساواک را با شکنجه و کشتن مخالفین برابر می‌دانند، چیست؟، گفت: «بحث شکنجه، بحثی طولانی است. بنده همیشه به سهم خودم با شکنجه که یک چیز غیرقانونی بود، مخالفت کرده‌ام و چون حقوق خوانده بودم، به سهم خودم همیشه با هر چیزی که منجر به شکنجه شود، مخالفت کرده‌ام و هیچ وقت هم خودم نه شکنجه دیده‌ام و نه بازجویی کرده‌ام. من اهل بازجویی نبودم.



مجسمه «پرویز ثابتی» در موزه عبرت

مثلاً مرگ تختی که می‌گویند تختی را کشتند. تختی فردی بود که گرفتاری خانوادگی پیدا کرده بود و رفته بود سه روز در هتل آتلانتیک مانده بود و ظرف این سه روز رفته بود محضر و کاظم حسینی از رهبران جبهه ملی را برای قیومیت پسرش تعیین کرده بود. کسی که سه روز رفته در هتل مانده و برای بچه‌اش هم قیم تعیین می‌کند، یعنی چی؟ یعنی قصد دارد خودش را بکشد دیگر و خودش را هم کشت. بعد این‌ها می‌گفتند نخیر او را کشتند. یا پسر [امام] خمینی و صمد بهرنگی هم همینطور. صمد بهرنگی رفته بود با آن آقای (حمزه) فراهتی از رود ارس رد بشود، شنا بلد نبود و غرق شد. بعد گفتند او را کشتند. آقای جلال آل‌احمد هم که این داستان را درآورده بود بعداً گفت بله ما این را درآوردیم، بد هم نبود. این‌ها اتهامات بیجا و بی‌ربط بود. یا (علی) شریعتی که مریض بود و در لندن مرد و بعد از نمونه‌برداری گفتند به مرگ طبیعی مرده.»



***شکنجه گران ساواک و زندانیان از دروغ‌های پرویز ثابتی می‌گویند**

انتشار کتاب پرویز ثابتی و این صحبت‌هایش در گفت‌وگو با صدای آمریکا، با اعتراض بسیاری از زندانیان سیاسی و انقلابی دوره پهلوی همراه شد. آن‌ها معتقد بودند ثابتی با تحریف واقعیت، تلاش کرده تشکیلات ساواک را تطهیر کند. در ادامه، ۱۹۸ نفر از زندانیان ساواک هم در نامه‌ای با استناد به «عهدنامه بین‌المللی منع شکنجه و مجازات‌های اهانت‌آمیز و غیرانسانی» (مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دهم دسامبر ۱۹۸۴)، خواستار پیگرد حقوقی ثابتی و اخراج او از آمریکا شدند.



بتول غفاری دختر آیت‌الله حسین غفاری تو خاطراتش
میگه سال ۵۳ وقتی پیکر پدرم که بر اثر شکنجه
ساواک به شهادت رسیده بود رو تحویل گرفتیم پاهاش
رو طوری تا زانو تو روغن
داغ سوزونده بودن که گوشتش ریخته بود...

استرداد و محاکمه امثال پرویز ثابتی باید کمترین
خواسته ایران باشه

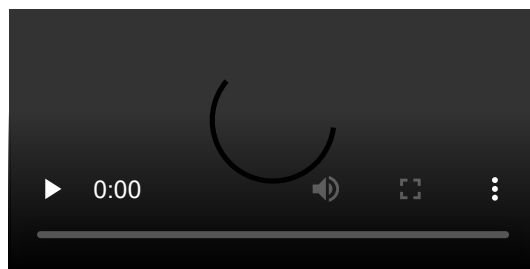
آدم 

سند زنده می‌خواهید یا سند تاریخی؟

صدایی که سال ۹۰ و بعد از انتشار کتاب و مصاحبه پرویز ثابتی از سمت قربانیان شکنجه‌های ساواک بلند شد، سند دیگری برای اثبات ماهیت حیوانی عوامل ساواک بود. انکار وقیحانه مدعیان دیروز جریان آزادی‌خواهی و هواداران امروز ساواک در حالی است که هنوز تعداد زیادی از این انقلابیون و زندانیان سیاسی دهه ۵۰ که شدیدترین شکنجه‌ها را در زندان‌های ساواک متحمل شدند، در قید حیات هستند و بارها در گفت‌وگو با رسانه‌ها، به بازخوانی جزئیات شیوه‌های غیرانسانی ماموران و بازجویان ساواک در شکنجه زندانیان پرداخته‌اند.



مرحوم مرضیه حدیدچی به همراه دختر ۱۴ساله اش! در زندان کمیته مشترک ضد خرابکاری



***ماجرای دستگیری و شکنجه «رضوانه» نوجوان**

برخی از این مبارزان صبور، بعد از آزادی از زندان ساواک، تحت تأثیر شکنجه‌های جسمی و روحی شدید، نتوانسته‌اند به زندگی عادی برگردند و در تمام این سال‌ها با تبعات و عوارض رفتارهای حیوانی شکنجه‌گران دست‌به‌گریبان بوده‌اند.

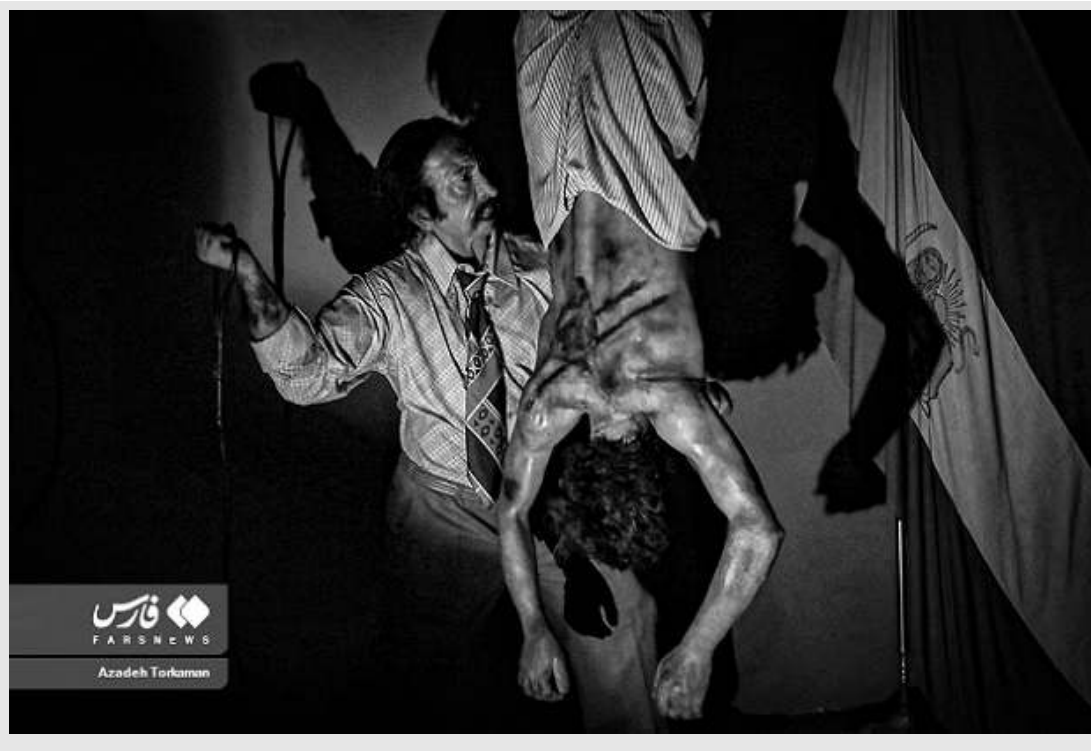


اما برای آنهایی که واقعاً دغدغه دستیابی به سند و مدرک برای اثبات وجود شکنجه در زندان‌های ساواک دارند، راه‌های ساده‌تری هم وجود دارد؛ مثل مراجعه به آرشیو روزنامه‌های سال ۵۷ به بعد، کتاب‌ها و مقالات و فیلم‌های مستند حاوی خاطرات زندانیان شکنجه‌شده و زندانبانان و بازجویان ساواک و همچنین بازدید از موزه «عبرت».



نمای داخلی موزه عبرت (زندان کمیته مشترک ضد خرابکاری)

موزه عبرت در واقع همان زندان کمیته مشترک ضد خرابکاری ساواک و شهربانی است که بازجویی مخالفان حکومت پهلوی در آن انجام می‌شد. حدود ۸ هزار و ۴۴۲ زن و مرد از سال ۵۰ تا ۵۷ در این محل، زندانی بودند و مورد بازجویی و انواع شکنجه‌ها قرار گرفتند.



این زندان مخوف دو دهه بعد در سال ۱۳۷۹ تعطیل شد و براساس توضیحات و خاطرات زندانیان از نحوه بازجویی‌ها و شکنجه‌های ماموران ساواک، به شکل یک موزه طراحی شد.





قدرت الله سنجری، یکی از انقلابیونی که در کمیته مشترک ضد خرابکاری شکنجه شد

حالا سالهاست اقتشار مختلف مردم در بازدید از فضای خاص این موزه، با حضور در سلول‌های غمباری که صحنه‌های شکنجه مبارزان انقلابی در آن به صورت نمادین بازآفرینی شده، مشاهده عکس‌ها و شنیدن صحبت‌های روایانی که خود ماه‌ها در این زندان حبس بوده‌اند، به درک واقعی‌تری از ماهیت رژیم پهلوی و سازمان ساواک می‌رسند.





پاهای نخست‌وزیر، سند جنایات ساواک و پهلوی شد

یکی از قدیمی‌ترین سندهای تصویری برای اثبات جنایات ساواک، عکس تاریخی شهید محمدعلی رجایی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل است. مهر ماه سال ۵۹ همزمان با تجاوز عراق به خاک ایران و شروع جنگ تحمیلی و درحالی‌که حدود یک سال از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران می‌گذشت، برای اولین بار یک هیئت بلندپایه از جمهوری اسلامی ایران به سرپرستی محمدعلی رجایی، نخست‌وزیر وقت، در مجمع عمومی سازمان ملل شرکت کرد.

این اما تنها اتفاق خبرساز آن دوره از اجلاس نمایندگان عالی‌رتبه کشورهای دنیا نبود. اتفاق اصلی، در کنفرانس مطبوعاتی نخست‌وزیر ایران در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل رقم خورد؛ آنجا که شهید رجایی در برابر دوربین رسانه‌های دنیا، پای برهنه خود را روی میز گذاشت و گفت: «من به مدت دو سال در زندان‌های رژیم شاه معدوم، زندانی کارتر و آمریکا بودم. آثار شکنجه و سختی‌هایی که در زندان بر من روا شد، بعد از چهار سال هنوز بر بدنم نمایان است. من دو سال تمام ضربات شلاق‌های کارتر را بر پای خود احساس کردم و این در حالی است که ما با گروگان‌ها در جاسوس‌خانه، رفتاری کاملاً انسانی داریم.»



گزارش کیهان در روز ۱۷ دی سال ۱۳۵۷

وقتی مردم، شکنجه‌گاه مخفی ساواک را کشف کردند

اما بشنوید از یکی از عجیب‌ترین اسناد جنایات ساواک. روز ۱۷ دی سال ۵۷ و در روزهای اوج مبارزات انقلابی مردم، گزارشی در روزنامه کیهان چاپ شد با این تیتر: «شکنجه‌گاه مخفی ساواک در تهران کشف شد». اما ماجرا چه بود؟ خانه یک سرهنگ ساواک در جریان زد و خوردهای خیابانی تهران به آتش کشیده شد و وقتی مردم به داخل خانه رفتند، با یک تونل زیرزمینی مواجه شدند که در آن، سلول‌های متعدد و وسایل شکنجه و مقداری استخوان‌های پوسیده انسان دیده می‌شد. کم‌کم مشخص شد این خانه که مردم لقب «خانه وحشت» به آن دادند، مدتی در اختیار اداره‌ای از ساواک بوده بسیاری از دستگیرشدگان مخالف رژیم در آنجا بازجویی شده‌اند. شاهدان عینی به خبرنگار کیهان گفته بودند: «اول فکر می‌کردیم این یک خانه مسکونی است اما هرچه جلوتر رفتیم، متوجه شدیم بیشتر شبیه یک شکنجه‌گاه است.»



شروع به بازرسی کردیم و به یک زیرزمین رسیدیم که با تونل بزرگی به خانه دیگری در فاصله تقریبی ۱۵۰ متر راه داشت! تونل پر از انواع وسایل شکنجه بود که بعضی‌هایشان هنوز خون‌آلود بودند و معلوم بود به‌تازگی مورد استفاده قرار گرفته بودند. در گوشه دیگر تونل مقدار زیادی لباس‌های زنانه و مردانه که مملو از خون بود، روی هم انباشته شده بود و چند تکه از استخوان‌های قسمت مختلف بدن دیده می‌شد. سلول‌های کوچک و تاریکی هم در تونل وجود داشت که آنقدر کوچک بودند که متهمان فقط می‌توانسته‌اند در آن بایستند!...» براساس این گزارش، سرهنگ «علی زیبایی»، صاحب این خانه و از شکنجه‌گران ارشد ساواک، در زمان آتش زدن خانه به دست مردم خشمگین، فرار کرده بود...



انقلابیون روی دیوار خانه سرهنگ زیبایی نوشتند: «قصاب خانه پهلوی»

داستان یک شکنجه‌گاه زیبا!

مرور خاطرات سرهنگ بازنشسته «خسرو جهانی» هم، این گزارش مردمی منتشر شده در روزنامه کیهان را تأیید می‌کند. او که در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب در سال ۵۷ در دانشگاه افسری

تحصیل می‌کرد و با اوج‌گیری مبارزات خیابانی مردم، به‌اتفاق هم‌دوره‌ای‌هایش برای مقابله با مردم انقلابی به خیابان‌ها اعزام می‌شد، در توصیف اتفاق عجیبی که در یکی از همان روزهای مأموریت شاهد آن بود، اینطور گفته‌است: «یکی از روزهایی که در محدوده میدان انقلاب مستقر بودیم، صحبت‌های عجیبی از مردم شنیدم. عده‌ای از مردم انقلابی می‌گفتند: "خبر دارید نزدیک میدان امام حسی (ع)، سمت خیابان بهار، یک شکنجه‌گاه زیرزمینی پیدا شده؟ از خدا بی‌خبرها معلوم نیست چقدر از آدم‌های بیگناه را آنجا در دیگ‌های آب جوش یا روی تخت‌های داغ سوزانده‌اند، چقدر ناخن کشیده‌اند و انگشت قطع کرده‌اند، چقدر شکنجه کرده‌اند... اسمش را هم گذاشته بودند شکنجه‌گاه «زیبایی»!»

راستش را بخواهید، باور نکردم. فکر کردم شاید این یک شایعه باشد برای اینکه مردم معترض را به آنجا بکشانند و بعد، بلوایی به‌پا کنند. تا آن روز چیزی در این باره نشنیده بودم. عاقبت در جریان گشت‌زنی، رفتیم ببینیم این حرف‌ها چقدر صحت دارد. با آن آدرس تقریبی که از مردم شنیده بودم، رفتیم و عده‌ای از بچه‌های خودمان را جلوی یک خانه دیدیم. پرس‌وجو کردیم و آن‌ها هم حرف‌های مردم را تأیید کردند. گفتم: پس چرا در این خانه بازه؟! گفتند: مردم درود بر ارتش گفتند، ما هم در را به رویشان باز کردیم. می‌روند بازدید می‌کنند. اگر از بالادستی‌ها هم کسی بیاید بپرسد، می‌گوییم مردم هجوم آوردند و ما هم نتوانستیم کاری بکنیم... با توضیحات دوستانم، من هم کنجکاو شدم ببینم در آن پایین چه خبر است؟



سرهنگ علی زیبایی، یکی از قسی‌القلب‌ترین شکنجه‌گران ساواک

آن خانه که در خیابان بهار، بالاتر از خیابان تخت جمشید (طالقانی فعلی)، کوچه مهتاب قرار داشت، متعلق به سرهنگ «علی زیبایی»، از شکنجه‌گران معروف و قدیمی ساواک بود. آن خانه با یک تونل تنگ و تاریک به یک خانه در کوچه پشتی وصل می‌شد و همه خبرها در همان خانه پشتی بود. انواع و اقسام وسایل شکنجه در آن اتاق‌های سیاه و تاریک وجود داشت؛ گیوتین‌های کوچکی که با آن انگشت قطع می‌کردند، دیگ‌های آب جوش و وان‌های اسید، اجاق‌هایی برای سوزاندن بدن دستگیرشدگان، صندلی‌های شوک الکتریکی، نیزه‌ها و قیچی‌های دسته‌بلند و... واقعاً وحشتناک بود؛ چیزی که می‌دیدم، درست شبیه زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های قرون وسطی بود! آنطور که شنیدم، همسایگانی که شاهد انتقال دختران و پسران جوان به آن خانه بودند و از صدای فریاد و ناله شکنجه‌شدگان اذیت می‌شدند، ماجرای آن خانه را برای مردمی که علیه رژیم تظاهرات می‌کردند، افشا کرده بودند.»



شوک الکتریکی

چند رشته سیم را از یک دستگاه به جاهای حساس بدن وصل می‌کردند. «تهرانی» که از شکنجه‌گرهای ساواک بود در دادگاه بعد از انقلاب گفت که به این دستگاه از اسرائیل آورده شده بود.



هیولای مخوف ساواک

در خاطرات زندانی‌های دوران پهلوی از ۹۰ نوع شکنجه زندانی‌ها روایت شده است. شکنجه‌هایی برای گرفتن اعتراف که شاید همه آن‌ها روی یک نفر هم پیاده می‌شد. در این‌جا صرفاً به چند مورد اشاره شده است.



سنگ آسیاب

سنگی بود که روی شانه‌های زندانی قرار می‌گرفت. وقتی شلاق می‌خورد و پایش زخم می‌شد، مجبورش می‌کردند با آن بدون تا و زورهای یا بترکد.



FARSNEWS



ناخن‌کشی با سوزن

سوزن تکه‌گرد را زیر ناخن رد می‌کردند. بعد این سوزن‌ها را داغ می‌کردند. حرارت که زیر ناخن می‌رفت، باعث عفونت ناخن می‌شد و بعدها ناخن می‌افتاد.



بستن به نرده‌ها

دست و پاهای زندانی را با طناب یا زنجیر به میله‌های حیاط می‌بستند و مدت‌ها به این حالت می‌ماند و دچار درد در ناحیه دست و پا، ریزش ادرار و... می‌شد.



زدن کابل به کف پا

زدن کابل به کف پا ساده‌ترین شکنجه توسط ساواک بود. یکی از شکنجه‌گران ساواک به نام فراسی در مصاحبه با بی‌بی‌سی گفته بود ما در ۹۹ درصد مواقع شکنجه نمی‌کردیم، فقط به کف پا شلاق می‌زدیم!



آویختن از سقف

مخ‌دودست را به هم و بعد به قلاب سقف می‌بستند. فشار سنگین بدن بر مچ‌ها باعث سیاه شدن آن می‌شد و به علت این‌که خون نمی‌توانست به‌صورت کامل در بدن گردش کند، سیاه می‌شد.



فارس
FARS NEWS

اپولو

اپولو دستکشی بود که دست و پایی زندانی را زیر کپره‌های آن پرس کرده و گلاهی آهسی که تا کردن زندانی را می‌پوشاند، روی سرش قرار می‌دادند و سپس شروع به شکنجه می‌کردند.



تخت آتش

زندانی را روی تخت الکترونیکی می‌خواباند. یک نفر روی شکم متهم می‌نشست و زیر تخت جنقی از آتش روشن می‌شد تا قسمت‌های حساس بدن بسوزد.

چند مورد از شیوه‌های شکنجه ساواک

حالا و با مرور اجمالی گوشه‌هایی از جنایات ساواک، یک بار دیگر باید از ضدانقلابی‌های هوادار جنبش زن، زندگی، آزادی که تصویر عالیجناب شکنجه‌گر! و پرچم حمایت از تشکیلات روسیاه ساواک هم به پرچم‌های هفتاد رنگ تجزیه‌طلبی‌شان اضافه شده، پرسید: آیا باز هم آرزوی احیای سازمان غرورآفرین ساواک را دارند؟... این روزها اما در ایران، مردم درخواست محاکمه و اشد مجازات شکنجه‌گر اعظم، پرویز ثابتی را دارند. مخاطبان سامانه فارس من هم، پویشی با همین عنوان به ثبت رسانده‌اند.

پایان پیام/